



THE TIMES OF ISRAEL

کلافگی خصوصی نتانياهو
از ترامپ

گزارش شده است که نخست‌وزیر بنیامین نتانياهو، به اطرافیان‌ش در گفت‌وگوهای خصوصی گفته است، از سیاست‌های رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، در قبال خاورمیانه، کلافه شده است. به گزارش روزنامه اسرائیل هیوم، نتانياهو به دستیارانش گفته است که ترامپ، به‌خصوص در قبال سوریه و ایران، خوب حرف می‌زند، اما اقداماتش طور دیگری هستند. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در تلاش برای تعمیق نفوذش در سوریه است و اسرائیل هیوم می‌گوید نتانياهو نگران حمایت ترامپ از این تلاش‌هاست، گرچه ترامپ همزمان به اسرائیل اجازه داده است، هر جای سوریه که خواست دست به عملیات بزند. در ماه آوریل، دیداری بین ترامپ و نتانياهو، عجولانه ترتیب داده شد. در این دیدار، ترامپ اردوغان را ستود، در حالی که نتانياهو ساکت در اتاق بیضی کنار ترامپ نشسته بود. اردوغان از منتقدان پیش‌ناز اسرائیل است و حتی در دیداری از یک مسجد در ماه رمضان، برای نابودی اسرائیل دعا کرده است.

نتانياهو همچنین نگران تصمیم ترامپ برای آغاز گفت‌وگوهای هسته‌ای با ایران است که در همان دیدار در کاخ سفید اعلام شدند و نیز نگران امتیازهایی که ظاهراً دولت ترامپ داده است، بدون اینکه چیز زیادی در قبال آن‌ها تحویل گرفته باشد.

برخی منابع به خبرگزاری رویترز گفته‌اند این توافق دارد به شکلی پیش می‌رود که چندان با توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ متفاوت نخواهد بود؛ توافقی که ترامپ از آن انتقاد می‌کرد و در نهایت در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد. نتانياهو، هشدارهایی علنی داده است که رسیدن به توافقی بد، از نرسیدن به هیچ‌گونه توافق، بدتر است، اما ترامپ گفته توافق «حاصل خواهد شد».

ایران که علناً به دنبال نابودی اسرائیل است، تلاش برای رسیدن به سلاح هسته‌ای را تکذیب می‌کند، اما تولید اورانیوم غنی شده ۶۰ درصد را تسریع کرده است. این میزان غنی‌سازی، بسیار فراتر از چیزی است که برای استفاده‌های غیرنظامی لازم باشد و یک گام کوچک فنی با اورانیوم در سطح لازم برای تسلیحات فاصله دارد. ایران به گسترش ظرفیت‌های موشکی بالستیکش هم ادامه می‌دهد.

اسرائیل هیوم گزارش می‌دهد که نتانياهو، بابت برکناری مایک والترز از سمت مشاور امنیت ملی نیز نگران است. به گزارش واشنگتن پست، ترامپ از موضع جنگ طلبانه والترز نسبت به ایران و هماهنگی‌هایش با نتانياهو درباره گزینه نظامی جهت نابودی برنامه هسته‌ای خشمگین بوده و این خشم از عوامل اخراج او بوده است.

دفتر نخست‌وزیر [اسرائیل] این گزارش را تکذیب نکرده است و در پاسخ به سؤال در این باره گفته است: «نخست‌وزیر نتانياهو و رئیس‌جمهور ترامپ، در گفت‌وگوهای چند روز پیش‌شان موافق بودند که هدف اعظم، از بین بردن توانایی ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای است.» ترامپ ماه گذشته پس از تماس تلفنی با نتانياهو گفته بود هر دو «در همه مسائل یک موضع دارند.» اما گزارش‌ها به شکلی فراینده حاکی از فاصله بین مواضع این دو نفر در مسائلی کلیدی هستند، شامل اینکه آیا به ایران حمله شود یا نه و اینکه آیا اجازه ورود کمک‌های انسان‌دوستانه به غزه داده شود یا نه. نتانياهو هم حاضر نیست علنی از رئیس‌جمهور آمریکا انتقاد کند.



عوامل مؤثر بر محاسبات سیاست خارجی ایران کدام‌اند؟

پیچ و خم راه تازه ایران

▼ سیاست اقتصادی عملکرد ایران:

آیا ایران در حال تغییر رویکرد به سمت تعامل با ایالات متحده است؟



به نظر می‌رسد، سیاست خارجی فعلی ایران، تحت‌هدایت مقامات جدید، متمرکز بر تعامل اقتصادی عملکرد ایران، به‌خصوص با ایالات متحده است، به عنوان روشی برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، ۸ آوریل [۱۹ فروردین]، یادداشتی در واشنگتن پست نوشت. این یادداشت، نشانه بر جسته‌ای بود که رویکرد تهران تغییر کرده و به سمت جلب نظر مستقیم غرایز تجاری رئیس‌جمهور دونالد ترامپ رفته است، با تصویر ایران به عنوان «بازاری باز» برای سرمایه‌گذاری ایالات متحده در صورت رفع تحریم‌ها.

این موضوع، حکایت از چرخش تاکتیکی به سمت



این طور که به نظر می‌رسد، ایران در حال اولویت‌دهی به منافع اقتصادی همکاری است و از این طریق، به رویکردش در تعامل دیپلماتیک با همسایگانش و با غرب، جهت دیگری می‌دهد. گام‌هایی که ایران به سمت بهبود روابط با ایالات متحده، عربستان سعودی، روسیه و چین برداشته، ارزش پیگیری دارد، اما ممکن است این‌ها، بیشتر نشانه تحولات عملکرد ایران به انتظار منافع کوتاه‌مدت باشند تا تغییرات عمیق‌تر ایدئولوژیک در مواضع. احتمال بیشتر این است که فشارهای سیاسی و اقتصادی داخلی، ایران را مجبور کنند، ارزیابی مجددی در رویکرد تقابلی‌اش با همسایگان و با قدرت‌های جهانی داشته باشند. توقف بالقوه حمایت از حوثی‌ها، آخرین نتیجه ممکن و مهم موضع در حال تغییر ایران است. آنچه در ادامه می‌خوانید، پنج عامل هستند که باید تحت نظر داشت، در شرایطی که تهران تحت فشار، در حال تنظیم مجدد سیاست‌هایش است:

آیا ترامپ به جنگ با ایران «نه» می‌گوید؟

داگ بنداو

دستیار ویژه رئیس‌جمهور
رونالد ریگان



بوش را در مقام مقایسه، مثبت نشان خواهد داد؛ البته، متأسفانه، چندین دولت ایالات متحده، کارهای بسیاری کردند که ایران، دولت‌ش و بسیاری از مردمش را به خصم تبدیل کنند، اگر نه به دشمن. در سال ۱۹۵۳، به امر بریتانیایی کبیر که از ملی شدن دارایی‌های نفتی بریتانیایی توسط تهران خشمگین بود، رئیس‌جمهور دوايت آیزنهاور به سرنگونی نخست‌وزیر منتخب، محمد مصدق کمک و شاه، محمدرضا پهلوی را تقویت کرد، شاهي که آن زمان، عمداً در جایگاه ظاهری یک حاکم بود. یک ربع قرن، واشنگتن از شریک‌ش حمایت کرد، شریکی اغلب بدقلق اما همیشه فاسد و مستبد. رئیس‌جمهور جیمی کارتر که به ظاهر حامی حقوق بشر بود، میهمانی شام خجالت‌آوری برای شاه راه انداخت و در مقابل سفری چاپلوسانه به ایران تحویل گرفت. طعنه‌آمیز اینکه همین متحد ظاهری آمریکا بود که برنامه هسته‌ای تهران را کلید زد. نارضایتی فراینده عمومی، در نهایت، به‌رغم حمایت دولت کارتر از سرکوبی مرگبار، به سلسله پهلوی پایان داد. نیویورک تایمز گزارش داد: «هنگام صرف ناهار در باشگاه نیکر باکر در نیویورک، ژنرال رابرت ای هویز، نماینده ویژه رئیس‌جمهور جیمی کارتر به تیم «پروژه عقاب» گفت از رهبران ارشد ارتش ایران خواسته هر چقدر از تظاهرات کنندگان را که لازم است بکشند تا شاه را در قدرت حفظ کنند. طبق گزارش گفت‌وگوهای این ناهار، ژنرال هویز به ژنرال‌های ایرانی گفته اگر شلیک بالایی سر تظاهرات کنندگان منجر به متفرق شدن‌شان نشد «به سمت تمرکز روی سینه‌هایشان بروید. او می‌افزاید که با این نظامی‌ها «قاطع حرف زدم و سروصداه انداختم» اما در نهایت این ژنرال‌ها «بی‌جرات» بودند. «ایالات متحده، با نادیده گرفتن جرائم بسیار شاه، به این دیکتاتور روبه‌موت پناه داد. دولت اسلام‌گرایی پس از آن بر سر کار آمد، اما علی‌رغم گروگان‌گیری کارکنان دیپلمات آمریکا در اوایل کار، تهران هیچ‌وقت ایالات متحده را تهدید جدی نکرد؛ بلکه این واشنگتن بود که مدام ایران را تهدید می‌کرد. دولت‌های متوالی، از شاه، به طور مداوم حمایت کردند و به او تسلیحات فروختند. مدرنیزاسیون

دیپلماسی اقتصادی دارد، با اولویت‌دهی به منافع فوری، بالاتر از موضع‌گیری‌های ایدئولوژیک. تهران خصومت‌های پیشین و ... را کم‌رنگ کرده و روی همکاری آینده تأکید می‌کند، با ارسال پیام آمادگی برای «توقف راهبردی» به جای تقابل.

استقبال از استیو ویتکاف تاجر به عنوان مذاکره‌کننده ایالات متحده، قصد ایران برای چارچوب‌دهی دوباره به روابط از طریق تجارت تر جای درگیری را بر جسته‌تر می‌کند. داخل کشور، این رویکرد به عنوان «فصل جدید» معرفی می‌شود و همه گروه‌ها فرا خوانده می‌شوند که از تلاش برای جذب کسب‌وکارهای ایالات متحده حمایت کنند؛ اما نارضایتی‌هایی درون گروهی بین تندروها وجود دارد. هر چند آن‌ها اقلیتی هستند، کوچک‌تر از آنکه بتوانند فرایند دیپلماتیک جاری را از مسیر اصلی خارج کنند. مقامات ایران، تصویری از پذیرایون در صحنه خارجی

CAIO
INSTITUTE®

اجباری شاه، هم از سوی نخبگان تحصیل کرده و هم از سوی غرب، خوشایند بود و این هم قابل درک بود، اما همین، باعث نفرت و مخالفت در میان جوامع سنتی‌تر شد و جرعه انقلاب اسلامی را زد. بعد از سرنگونی شاه، دولت ریگان از تهاجم خونین عراق به ایران حمایت کرد و حتی به نفتکش‌هایش پرچم داد تا از مسیر درآمد بغداد حفاظت کند. نتیجه، هشت سال وحشتناک درگیری بود و یک میلیون یا بیشتر، تلفات. ایالات متحده، عربستان سعودی و اسرائیل، رقبای اصلی ایران در منطقه را هم مسلح کرد، تحریم‌های اقتصادی علیه تهران وضع کرد، مکرراً حکومت اسلامی تهران را به اقدام نظامی تهدید کرد، تجهیزات هوایی و دریایی اطراف ایران مستقر کرد، قاسم سلیمانی، فرمانده بانفوذ نیروهای قدس ایران را ترور کرد و فعالانه به نفع اسرائیل مداخله کرد، حتی وقتی اسرائیل، حملات نظامی به کارکنان و منافع ایران را آغاز کرد، شامل حمله به مرکز دیپلماتیک در سوریه و ساختمان‌های دولتی در تهران. نباید تعجب کرد که بسیاری از سیاست‌گذاران ایران مایل بودند در تلافی، توپخانه هسته‌ای قدرتمندی بسازند، با این حال، علی‌رغم نقش بیش از حد بزرگ سپاه، مقامات میانه‌روتر و مسئولیت‌پذیرتری در ایران هستند که با مذاکره با دولت اوپاما، برنامه جامع اقدام مشترک را حاصل کردند. این توافق، برنامه هسته‌ای ایران را محدود کرد؛ به علاوه، دولت‌های متوالی در ایران، با عربستان سعودی، تنش‌زدایی ایجاد کردند. اواسط آوریل، وزیر دفاع سعودی برای گفت‌وگو به تهران سفر کرد، اولین سفر یکی از چهره‌های ارشد خاندان سلطنتی به ایران در حدود ۳۰ سال اخیر. لابی جنگ در واشنگتن، رد می‌کند که ایران طرف مناسبی برای مذاکره باشد، اما ایرانیان به برجام پایبند ماندند. از طرف دیگر واشنگتن، بی‌تعهد از کار درآمد. کنگره با توافق مخالفت کرد و روند پیاده‌سازی‌اش را تضعیف کرد. دولت اوپاما، تلاش چندانی نکرد که پیامدهای سرریزی تحریم‌های بر جای مانده ایالات متحده را کاهش دهد و این تحریم‌ها، همچنان دیگرن را از تجارت با ایران و سرمایه‌گذاری در آن بر حذر می‌داشتند. علی‌رغم پایبندی مداوم تهران، ترامپ از این توافق خارج شد و تحریم‌ها را برگرداند. این منجر شد رژیم اسلامی